

اصول قرآنی ناظر بر حقوق معنوی زوجه با تأکید بر نهج البلاغه

طاهره سترگ ۱

معصومه رضائیان حق ۲

چکیده

هرچند اسلام بر رعایت حقوق مادی در خانواده تأکید دارد و در سیره ائمه معصومین علیهم السلام نیز با دقت مورد توجه و عنایت بوده؛ اما اساس خانواده بر حفظ حقوق معنوی استوار است. زیرا حقوق مادی، نمای ظاهری ساختمان خانواده را زیبا می‌کند؛ اما پایه‌ها و بدنه آن با حفظ حقوق معنوی استحکام می‌یابد و این سرمایه معنوی، حقی متقابل است که زن و مرد هر دو بایستی رعایت کنند: «وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (سوره بقره/۲۲۸)؛ و مانند همان وظایفی که بر عهده ی زنان است، به‌طور شایسته بر عهده ی مردان است. بر این اساس، پژوهش حاضر با معرفی اصول قرآنی ناظر بر حقوق معنوی زوجه و با تأکید بر نهج البلاغه به روش اسنادی - تطبیقی و تحلیلی با هدف اصلاح و تحکیم روابط زوجین نگاشته شده است.

نتیجه آنکه اصول قرآنی احصا شده، بیانگر عنایت وافر خداوند به تأسیس، تعالی و پایداری بنای مقدس خانواده است و مؤید حاکمیت اصل تحکیم بنیان خانواده بر دیگر اصول مذکور می‌باشد؛ افزون بر این از منظر قرآن زن و شوهر، هر دو در حفظ این بنیان نقش دارند و از هر کاری که روابطشان را متشنج و مخدوش می‌کند باید اجتناب نمایند.

واژگان کلیدی: قرآن، نهج البلاغه، خانواده، زوجه، حقوق معنوی

۱ کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق، سطح ۳ مطالعات اسلامی زنان تربیت مدرس حوزه علمیه صدیقه کبری سلام الله علیها قم و مدرس و محقق حوزه و دانشگاه www.tahaset@yahoo.com

۲ سطح ۳ فقه و اصول حوزه علمیه قاسم بن الحسن تهران و محقق حوزه و دانشگاه

www.Rezaian1341@yahoo.com

در مجامع بین‌المللی بحث و جدال فراوان در زمینه ی حقوق انسانی زنان وجود دارد و آنان درصدد اثبات حقوق انسانی منطبق با دیدگاه غربی برای زنان می‌باشند و از طرفی کشورهای مختلف بر اساس فرهنگ‌های متفاوت خود، نظرات و عملکرد متفاوتی در زمینه ی حقوق انسانی زنان دارند؛ لازم است تا منشوری که نمایانگر دیدگاه قرآن با تأکید بر حقوق معنوی زوجه در نهج‌البلاغه باشد، تا بر اساس آن، حقوق انسانی زنان و نوع تعاملات رفتاری زوج در پناه تلطیف در حقوق و تأکید بر اخلاق با محوریت قوانین اسلامی برخاسته از متن نهج‌البلاغه و شروح آن روشن گردد؛ چنانکه گفته‌اند: قرآن طلبکاری است که هرگز وام او پرداخت نمی‌شود و غریبی است که هیچ‌گاه حق او ادا نخواهد شد: «القرآن غریمٌ لا یفُضی دینَهُ و غریبٌ لا یؤدّی حَقَّهُ» (به نقل از جوادی آملی، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۴)؛ زیرا اوج معارف آن و عمق مطالب آن فقط مسموس دست اندیشه تابناک معصومین علیهم السلام است: «إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِیمٌ ﴿۷۷﴾ فِی كِتَابٍ مَّكْنُونٍ ﴿۷۸﴾ لَّا یَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ» (سوره واقعه/۷۷ - ۷۹). از این جهت در تعریف مفهوم تفسیر قرآن، قید «به‌قدر طاقت بشری» اخذ شده است. بنابراین، ضمن لزوم بصیر و بینا بودن مفسّر لازم است برای بهره‌وری بیشتر از معارف قرآن کریم به «مطهّرون» که همان اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام هستند رجوع شود. (همان منبع، ص ۵۴) همچنین در تأیید سخنان حضرت علی علیه السلام بیان شده: هرکس در دین خود به علی بن ابی طالب علیه السلام اقتدا کرد هدایت یافت. دلیل بر آن، گفتار رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است که درباره علی علیه السلام فرمود: «اللهم ادر الحق مع علی حیث دار». (تفسیر فخر رازی، ج ۱، ص ۲۱۰ به نقل از جوادی آملی، ۱۳۸۹)

معنای حقوق معنوی

یکی از مفاهیم اساسی در کتاب شریف نهج‌البلاغه، مفهوم حق است. در این کتاب گران‌قدر متجاوز از سیصد بار از حق و مشتقات آن سخن به میان آمده و بر شناسایی و عمل به مقتضای آن تأکید شده است. (دشتی، محمدی، ۱۳۶۹ ش، ص ۱۱۵-۱۱۹) حقوق جمع حق است که از جمله معانی آن: ضد باطل، امر حتمی، عدل، مال، ملک و موجود ثابت می‌باشد. (معین، ۱۳۷۶ ش، ج ۱، ص ۱۳۶۳)

غالباً حق در مقابل حکم است. حق در این معنا، معادل واژه Droit بوده و به «سلطه» معنا می‌شود؛ سلطنتی که از ناحیه شارع برای انسان جعل شده است. (هدایت‌نیا، ۱۳۸۵ ش، ص ۲۳) همچنین حقوق دو دسته‌اند: مالی و غیرمالی. حقوق مالی، حقوقی‌اند که متعلق آن‌ها مال باشد، خواه آن مال عین باشد یا منفعت؛ همچنین گاهی مال موضوع حق دین است که اصطلاحاً به آن «حقوق دینی» گفته می‌شود. حقی که زن نسبت به مهریه پیدا می‌کند از همین قبیل است. (همان منبع، ص ۲۴)

نکته قابل‌توجه در خصوص روابط زن و شوهر، آن است که حقوق دانان غالباً حقوق مالی را از آن زن دانسته‌اند و حقوق غیرمالی را غالباً متعلق به شوهر می‌دانند. (همان منبع، ص ۲۵) به همین جهت بر آن شدیم تا با

بررسی حقوق غیرمالی زوجه به عنوان «حقوق معنوی زوجه» با تأکید بر نهج البلاغه، که موضوع و متعلق حق مالی نباشد را برشماریم تا از غفلت و بی‌توجهی نسبت به آن بکاهیم.

بر این اساس مهم‌ترین اصول قرآنی که شامل ۲۳ اصل جمع‌آوری شده‌ی ناظر بر حقوق معنوی با تأکید بر نهج البلاغه که برای زوجه پیش‌بینی شده و رعایت آن بر زوج واجب بوده و منجر به تحکیم خانواده می‌گردد، عبارت‌اند از:

اصل خدامحوری و ایمان

خداوند ایمان را محبوب دل‌ها قرار داده و آن را زیور جان آدمیان ساخته است و چون روح انسانی مجرد است نه مادی، و ایمان نیز امری است معنوی نه مادی؛ این امر معنوی یعنی ایمان، مایه جمال و زیبایی آن امر مجرد یعنی جان انسانی شده است. البته تمایز زیبایی تکوینی از اعتباری و امتیاز جمال رحمانی از زینت شیطانی به‌طور مبسوط در قرآن کریم بیان شده است. (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۳۳)

تقسیم جمال به مادی و معنوی که در قرآن کریم آمده است، در سخنان صاحبان ولایت و مفسران اصیل آن نیز وارد شده است چنانکه در کلمات حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام آمده است:

«حسن الصّوره الجمال الظّاهر» (تعمیمی آمدی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۱۳) نیکویی صورت زیبایی ظاهر است.

«حسن النّیة جمال السّرائر» (همان منبع، ج ۳، ص ۳۸۲) نیت نیکو زیبایی درونی است.

«التّجمل من أخلاق المؤمنین» (تعمیمی آمدی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۰۷) آرایش از اخلاق مؤمنان است.

نیز چنین آمده است که مردان باتقوا در عبادت خاشع و در عین فاقه و حاجت متجمل‌اند. (دشتی، ۱۳۷۹، خطبه ۱۹۳) و این تجمل که از اوصاف مردان باایمان است شامل هر دو قسم جمال خواهد بود، گرچه نسبت به جمال و زیبایی معنوی شمول بیشتری دارد. لذا حضرت علی علیه السلام به فرزندش حضرت حسن علیه السلام چنین می‌فرماید: «.. فلتکن مسألته فیما یبقی لک جماله وینفی عنک وباله فالمال لایبقی لک ولا تبقی له» (دشتی، ۱۳۷۹، نامه ۳۱)؛ یعنی خواست تو در کوشش‌ها و نیایش‌ها چیزی باشد که جمال آن بدون و بال برای تو بماند زیرا مال برای تو نمی‌ماند و تو نیز برای او نمی‌مانی، پس جمال انسان در همان معارف و فضائل خواهد بود چون در مطالب یادشده فرقی بین زن و مرد نیست، زیرا محور همه آن‌ها انسان است و خصوصیت ذکورت و انوئت در حقیقت انسان و ایمان و مانند آن تأثیری ندارد می‌توان از حدیث شریف علوی که فرمود: «عقول النّساء فی جمالهّن وجمال الرّجال فی عقولهم»، معنای دستوری فهمید نه معنای وصفی. یعنی منظور آن نباشد که حدیث شریف درصدد وصف دو صنف از انسان باشد. (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۳۴)

از همین روی می‌توان گفت، که یکی از حقوق واجب، حق برخورداری از ایمان و تقوا و حفظ آن و تکامل معنوی در عرصه باورها و رفتارها می‌باشد.

اصل خانواده مداری

آنجا که به صراحت و در آیات متعدد پس از آفرینش زوج انسان و طرح مسأله ارتباط زوجین از ایجاد سکینه، آرامش، قرار، مودت و محبت یاد می‌کند. گویا اگر زوج انسان آفریده نمی‌شد آدمی مفهوم سکینه، آرامش و قرار را درک نمی‌کرد و شأن و مقام محبت تحقق پیدا نکرده و مجسم و متصور نمی‌شد.^۱

یکی از مهم‌ترین اموری که منجر به پیش روی زن در مسیر سعادت و یا شقاوت او خواهد گشت؛ مسئله ازدواج می‌باشد که در راستای ازدواج دائم به حقوق معنوی خود خواهد رسید. در سفارشی از کلام امیرالمؤمنین علیه السلام که فرمودند: «تَزَوَّجُوا فَإِنَّ التَّزْوِيجَ سُنَّةُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَإِنَّهُ كَانَ يَقُولُ: مَنْ كَانَ يَحِبُّ أَنْ تَتَّبِعَ سُنَّتِي فَإِنَّ مِنْ سُنَّتِي التَّزْوِيجَ...» ازدواج کنید که ازدواج کردن سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است. همانا رسول خدا بارها فرمود: هر کسی می‌خواهد از سنت من پیروی کند ازدواج نماید؛ زیرا ازدواج کردن از سنت من است. (حر عاملی، بی‌تا، کتاب نکاح، باب دوم، ص ۶ و ۸)

اصل تسکین و آرامش بخشی

هرچند در وجود هر انسانی، محبت به هم نوع خود و ترحم قلبی به زیردست خود، جزو نهاد او، آفریده شده، و نگه‌داشتن این دو خصلت، به انسانیت انسان برگشت می‌کند و به او کرامت می‌بخشد، اما در آیه شریفه ۲۱ سوره روم، این‌گونه آمده که: از نشانه‌های لطف و عنایت الهی به بندگانش، این است که از جنس شما، همسرانی قرار داد تا به وسیله آن‌ها، شما به سکینه و آرامش برسید و بین شما هم، مودت و محبت و رحمت برقرار کرد؛ البته این نوع مودت و رحمت، فراتر از چیزی است که در نهاد بشر، قرار داده شده، که انسان با همسر و زوجش، به آن می‌رسد، زیرا یک نوع آرامش و محبت و دوستی به ذات علقه زناشویی برمی‌گردد که زن مایه ی آرامش مرد و مرد مایه ی آرامش زن است و بی‌قراری قبل از ازدواج با تحقق ازدواج برطرف و سپس قرار و آرامش جایگزین آن می‌شود؛ چنانچه محبت و دوستی با اصل علقه ی ازدواج بین زوج و زوجه فراهم می‌شود.

اصل سازگاری

در کلام امیرالمؤمنین در سفارش به رعایت حقوق همسر به زوج او توصیه نمودند: «بپرهیز از غیرت نشان دادن بی‌جا که درستکار را به بیماردلی و پاک‌دامن را به بدگمانی رساند.» (فیض الاسلام، ۱۳۷۹، نامه ۳۱، ص ۵۳۷) و در مقابل به ارائه راه‌حل بر تشویق حسن ظن فرمودند: «چون کسی به تو گمان نیک بُرد، خوش‌بینی

۱. و من آيته ان خلق لكم من انفسكم ازوجا لتسكنوا اليها و جعل بينكم موده و رحمه ان في ذلك لايات لقوم يتفكرون (روم/۲۱)

و از نشانه‌های پروردگار آن است که برای شما از جنس خودتان جفتی قرار داد تا در کنار او آرامش و سکینه پیدا کنید و بین شما مودت و رحمت به وجود آورد.

او را تأکید کن» (فیض الاسلام، ۱۳۷۹، حکمت ۲۴۸، ص ۶۸۱) و تکیه بر حق تغافل می‌نمایند: «خود را به بی‌خبری نمایاندن؛ از بهترین کارهای بزرگواران است» (فیض الاسلام، ۱۳۷۹، حکمت ۲۲۳، ص ۶۷۷)

در عین حال اگر شوهر هنر مدیریت یا توان تدارک هزینه‌ها را نداشته باشد یا وظیفه‌اش را انجام ندهد و مایه ی ناسازگاری با زن در خانه شود، مرد «ناشز» است. (جوادی آملی، ۱۳۹۳، ش، ص ۳۰۶-۳۰۷) عنصر محوری نشوز یا اعراض ۱ شوهر نسبت به زن به جهت مسائل زناشویی است؛ اما اگر ترک موقت بر اثر اشتغال به کارهای مهم سیاسی، نظامی و مانند آن باشد، هرگز نشوز یا اعراض نخواهد بود. (همان منبع، ص ۳۱۲)

در این مواقع زن می‌تواند به حاکم شرع رجوع کند. حاکم عادل مرد را موعظه یا به انجام دادن وظیفه وادار می‌کند و اگر زندگی تحمل‌ناپذیر گردد و زن تقاضای طلاق کند و مرد امتناع کند؛ حاکم شرع آن زن را طلاق می‌دهد؛ گرچه زن و شوهر وظیفه دارند با گذشت، اختلاف خود را حل کنند؛ زیرا قانون به تنهایی راهگشا نیست. در نشوز زن یا زن و شوهر، نیز رعایت اخلاق پسندیده است. (جوادی آملی، ج ۱۸، ص ۵۷۰؛ ج ۲۱، ص ۴۹-۶۴)

اصل عدالت ورزی

از امام علی علیه السلام پرسیدند که کدام یک برتر است: عدالت، یا جود و بخشندگی؟ حضرت فرمودند: عدالت هر چیزی را به جای خود نهد و بخشش آن را از جایگاه خود خارج سازد عدالت نگاهبان عمومی است و جود و بخشش مشکل‌گشای خصوصی. پس عدالت ارزشمندتر و برتر است. (فیض الاسلام، ۱۳۷۱، حکمت ۴۲۹)

بر این اساس از جمله حقوقی که در فقه برای زوجه معین شده است و شاید بتوان اذعان داشت نمودی از عدالت ورزی است؛ حق قَسَم ۲ است، که به حق قسمت و شب خوابی معروف است. مضاجعه نیز به معنای هم‌بستر شدن است که بر مرد واجب است که یک‌شب از چهار شب را نزد همسرش بیتوته کند. (جوادی آملی، بی‌تا، ج ۲۱، ص ۶۱) آنچه تحت عنوان قَسَم بر عهده مرد است؛ نزدیکی نیست بلکه داشتن بستر واحد (مضاجعت) است. (جوادی آملی، ۱۳۹۳، ص ۳۲۳، نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۱، ص ۱۴۸)

اصل احسان ورزی در ارتباط با ارحام همسر

یکی از موارد رعایت حق معنوی زوجه این است که زوج مراتب صلح‌رحم همسر با خویشانش را طبق اصل احسان فراهم آورد؛ زیرا سفارش به صلح‌رحم و تأکید بر آن به‌وفور در کلام امام علی علیه السلام آشکار است: «لَنْ يَسْرِعَ أَحَدٌ قَبْلِي إِلَى دَعْوَةٍ حَقٍّ وَ صَلَهِ رَحِمٍ وَ عَائِدَةٍ كَرَمٍ فَاسْمَعُوا قَوْلِي وَ عَوًّا مَنْطِقِي عَسَى أَنْ تَرَوْا هَذَا الْأَمْرَ

۱. «اعراض» ترک رابطه و سکوت شوهر بی حذف حقوق زن، مانند نفقه یا بدگویی و خشونت است.

۲. حق قَسَم و مضاجعه و مانند آن، از حقوق متقابل زن و شوهر است؛ نه از احکام، از این رو ثبوت و سقوط آن‌ها با صلح طرفین ممکن است.

مِنْ بَعْدِ مَازِ الْأَيُّومِ تَنْضَى فِيهِ السُّيُوفُ». (فیض الاسلام، ۱۳۷۱، ص ۶۹، ترجمه خطبه ۱۳۹) «هیچ کس پیش از من در پذیرش دعوت حق شتاب نداشت و چون من کسی در صلہ رحم و بخشش فراوان تلاش نکرده پس به سخن من گوش فرا دهید و منطلق مرا دریابید». همچنین فرمودند: «کسی را که از نزدیکانش واگذارند بیگانه او را پذیرا می‌شود» (فیض الاسلام، ۱۳۷۱، ص ۷۰۳، ترجمه حکمت ۳۰۸).

حضرت امام علی علیه السلام فرمودند: «خَيْرِ اسْمَةٍ النَّعَمِ فِي صَلَهِ الرَّحِمِ» (دزفولی، ۱۳۷۰، ص ۶۶) «نگهبانی نعمت‌ها پیوند با خویشان است؛ مراد این است که ایشان احسان به خویشان می‌نمود. (شرفخانی، ۱۳۷۹، ص ۲۴)

در شکایت حضرت علی علیه السلام از عدم رعایت صلہ رحم این‌گونه آمده است: «اللَّهُمَّ إِنِّي اسْتَعْدِيكَ عَلَى قَرِيْبٍ وَ مَنْ أَعَانَهُمْ فَإِنَّهُمْ قَطَعُوا رَحِمِي، وَ صَعَّرُوا عَظِيمَ مَنْزِلَتِي، وَ أَجْمَعُوا عَلَيَّ مُنَازَعَتِي أَمْرًا هَوْلِي». (نهج البلاغه: ص ۳۲۷، ترجمه خطبه ۱۷۲)؛ «بار خدا یا از قریب و از تمامی آن‌ها که یاری‌شان کردم به پیشگاه تو شکایت می‌کنم زیرا قریب پیوند خویشاوندی مرا قطع کردند و مقام و منزلت بزرگ مرا کوچک شمردند و در غصب حق من با هم، هم‌داستان شدند».

«وَ اَكْرَمَ عَشْرَتِكَ، فَإِنَّهُمْ جَنَاحَكَ الَّذِي بِهِ تَطِيرُ، وَ اَصْلَكَ الَّذِي إِلَيْهِ تَصِيرُ، وَ يَدِكَ الَّتِي بِهَا تَصُولُ». (دشتی، ۱۳۷۹، ص ۵۳۹، ترجمه نامه ۳۱) «خویشاوندان را گرمی بدار زیرا آن‌ها پروبال تو هستند که با آن‌ها پرواز می‌کنی و ریشه تو هستند که به آن‌ها بازمی‌گرددی و دست نیرومند تو می‌باشند که به آن حمله می‌کنی». ارتباط مزبور تا آنجاست که حتی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در کیفیت آن فرمودند: «صَلُّوا اِرْحَامَكُمْ وَ لَوْ بِالسَّلَامِ»؛ «رحم‌ها را گرچه به یک سلام باشد پیوند کنید». (مجلسی، ج ۷۱، ص ۴-۱)

اصل نهی از رنج و تعب زوجه

در سفارش امیرالمؤمنین در نهج البلاغه به فرزندشان آمده است که: «وَ لَا تُمْلِكُ الْمَرْأَةَ مِنْ أَمْرِهَا مَا جَازَ نَفْسَهَا فَإِنَّ الْمَرْأَةَ رِيْحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ» (فیض الاسلام، نامه ۳۱/ص ۹۳۹) کاری را که در توانمندی زن نیست بر او تحمیل مکن، زنان چون گل بهاری هستند نه پهلوان سخت‌کوش و پرتوان؛ بر این اساس اسلام کارهای دشوار را از عهده ی زنان خارج کرده و در مقابل کارهای کلیدی‌تری را چون تربیت و تعلیم، تأمین سکونت و امنیت خانواده را به او واگذار کرده است تا در رسالت مربی‌گری، مادری و همسری به‌خوبی نقش خود را ایفا نماید. امام در وصیت خود به امام حسن می‌فرماید:

«لَا تُمْلِكُ الْمَرْأَةَ مِنْ أَمْرِهَا مَا جَاوَزَ نَفْسَهَا، فَإِنَّ الْمَرْأَةَ رِيْحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ. وَ لَا تَعُدُّ بِكَرَامَتِهَا نَفْسَهَا وَ لَا تُطْمِعُهَا فِي أَنْ تَشْفَعَ لِعَیْرِهَا وَ اِيَاكَ وَ التَّغَايِرِ فِي غَيْرِ مَوْضِعٍ غَيْرِهِ، فَإِنَّ ذَلِكَ يَدْعُو الصَّحِيْحَةَ إِلَى السُّقْمِ وَ الرِّيْئَةِ إِلَى الرِّيْبِ»؛ «زن را به کارهایی که در توانش نیست، مگمار، که زن گل بهاری و ریحان است، نه قهرمان و

کارفرما و نه در هر کار قهرمان و نیرومند. مبدا بیش از حد به او لطف و مرحمت داشته باشی و مبدا او را به طمع اندازی»

همچنین نهی می نمودند از زدن زن که او را به رنج وامی گذارد؛ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درباره ی مردانی که زن ها را به معنای واقعی می زدند؛ فرمود: «أَيضْرِبُ أَحَدَكُمْ إِمْرَأَتَهُ بِيَدِهِ ثُمَّ يَزِلُّ يَعَانِقُهَا بِهَا» تعجب می کنم از مردمی که زنان را با دست خودشان می زنند و با همان دست ها با او معانقه می کنند؛ یعنی این دست را خداوند برای معانقه با زن آفریده است نه برای کتک زدن او. (میرخانی، ۱۳۷۹، ص ۲۰۱)

همچنین یک عده ای از زنان شکایت بردند از شوهرانشان به خدمت رسول الله که ما را کتک می زنند؛ رسول اکرم فریاد زدند: «آن هایی که چنین می کنند خوبان شما نیستند. لذا عاطفه داشتن مرد به زن یک اصل مهم است.» (شماره ۱۱۶۰، مجله زن روز، اسفند ۱۳۶۶، به نقل از مطالب منتشر نشده استاد مطهری)

اصل تفکیک جنسیتی نقش ها

حضرت همیشه در سفارش مردان به زنان می فرمودند: «إِنَّهُنَّ أَمَانَةُ اللَّهِ عِنْدَكُمْ فَلَا تَضَارُوهُنَّ وَ لَا تَعْضَلُوهُنَّ؛ زنان امانت خدا بر شما هستند به ایشان زیان نرسانید و برایشان سخت نگیرید. (فیض الاسلام/خطبه ۱۹۳) امام علیه السلام دو جمله را از آیات ۶ سوره طلاق و ۲۳۲ سوره بقره و ۱۹ سوره نساء اقتباس فرموده است. به همین جهت است که یکی از نشانه های بارز تفکیک جنسیتی نقش ها در سیره امام علی علیه السلام هویدا بود، آنجا که امام صادق علیه السلام فرمود: «كَانَ امِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَحْتَضِبُ وَ يَسْتَقِي وَ يَكْسَنُ وَ كَانَتْ فَاطِمَةُ سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهَا تَطْحَنُ وَ تَخْبِزُ». (مجلسی، ۱۴۱۳، ج ۴۳، ص ۱۵۱)؛ «امیرالمؤمنان علی علیه السلام هیزم فراهم می کرد و خانه را جارو می نمود و آب می کشید و فاطمه سلام الله علیها گندم و جو را با آسیای دستی آرد می کرد، سپس خمیر می نمود و نان می پخت».

به روایتی دیگر آمده، که روزی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به خانه فاطمه سلام الله علیها آمد و دید حضرت علی علیه السلام و فاطمه سلام الله علیها با هم مشغول آسیا کردن «گاورس» می باشند. فرمود: کدام یک از شما خسته تر هستید؟ علی علیه السلام عرض کرد: فاطمه از من خسته تر است. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به جای فاطمه سلام الله علیها نشست و به علی علیه السلام در آسیا کردن کمک کرد. (مجلسی، ۱۴۱۳، ج ۴۳، ص ۵۰-۵۱) مولا علی علیه السلام می فرمایند: «بیش از توان و قدرت زن از او کار نکشید و انتظار نداشته باشید، به درستی که زن مثل گل ریحان است، نه پهلوان». (مجلسی، ۱۴۱۳، ج ۱۰۳، ص ۲۵۲) وجود فاطمه سلام الله علیها، شادی آفرین کلبه ی امام علی علیه السلام بود و یک نگاه علی علیه السلام به قامت فاطمه سلام الله علیها، غم ها و اندوه های علی علیه السلام را می زدود. (شرفخانی، ۱۳۷۹، ص ۲۵)

اصل شفقت و پرستاری از همسر

فاطمه الزهرا علیه السلام پس از ماجرای فدک و مبارزاتی که در بازگرداندن فدک و احقاق حق خود کرد و به ثمر نرسید بیمار شد، و در بستر افتاد. با شدت بیماری فاطمه، غم و اندوه او نیز شدت یافت و گریه‌اش برای از دست دادن پدر و مصیبت‌های دیگر زیاد شد و بستر بیماری برای او مبدل به جایگاه اشک و آه گردید. (رسول محلاتی، ص ۲۱۳) علی علیه السلام در هنگام بیماری همسرش، مانند پرستاری دلسوز، از او مراقبت می‌نمود و همواره شفیق و یاور ایشان بود.

اصل تأمین شادابی روح همسر

تمام طبقات مردم دارای احساس طبیعی هستند و پاره‌ای از صفات در مرد می‌تواند با احترام نسبت به همسر خود، شادابی روح زن خود را تأمین کند و از افسردگی و پژمردگی روحی او در محیط خانواده، جلوگیری نماید، تا او بتواند سرمایه‌های فطری و درونی خود را به بهترین صورت به کار گیرد و فرزندان نیکو را به جامعه ارائه دهد.

یکی از اصول مهم در زندگی مولای متقیان، حضرت علی علیه السلام، علاوه بر آراستگی باطن و روح و روان، ظاهری زیبا و پاکیزه داشت و به‌طور جدی به‌عنوان یک سنت اصیل، آراستگی ظاهر خود را رعایت می‌نمود. به‌عنوان نمونه: مسواک زدن دندان؛ رنگ مو؛ معطر بودن؛ شانه زدن موی سروصورت؛ کوتاه کردن سیل و گذاشتن ریش و... (احمد شرفخانی، ۱۳۷۹، ص ۷۸)

قرآن زن و شوهر را سفارش کرده که خود را برای یکدیگر بیاریند و ظاهر خود را جذاب و دوست‌داشتنی نمایند. قابل ذکر است که تمایل آدمی به زیبایی و جمال، یکی از خواهش‌های فطری بشری و احساس لذت از مناظر زیبا، با سرشت انسان آمیخته شده است. (همان منبع، ص ۷۹)

همچنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: «اغسلوا ثيابکم و خذوا من شعورکم و استاکوا و تزینوا و تنظفوا فإن بنی اسرائیل لم یکنوا یفعلون ذلک فزنت نساؤهم». (پاینده، ۱۳۶۳، ص ۷۲، شماره ۳۷۷) «لباس‌های خود را تمیز کنید، موهای خود را کم کنید، مسواک بزنید و آراسته و پاکیزه باشید. زیرا یهودیان چنین نکردند و زنانشان زناکار شدند».

اصل عفو و صلح

سیره ی امامان در مورد اشتباه و خطای رفتاری همسران خود، آن بود که خطای همسران خود را نادیده می‌گرفتند. پیامبر اسلام در مورد ترحم به زنان، در مورد لغزش‌هایشان به مردان می‌فرماید: «اتَّقُوا اللَّهَ فِي

الضَّعِيفِينَ النَّسَاءِ وَ الْيَتِيمِ». (مجلسی، ۱۳۶۰، ج ۱۰۰، ص ۲۴۴)؛ «تقوا پیشه کنید در مورد دو گروه یکی زنان و دیگری افراد یتیم».

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم حتی در مورد زنانی که اخلاق ناپسند دارند، برای مردان تحمل و صبر را توصیه نمودند: «أَلَا وَ مَنْ صَبَرَ عَلَيَّ خَلَقَ امْرَأَةً سَيِّئَةً الْخُلُقِ وَ احْتَسَبَ فِي ذَلِكَ الْأَجْرَ إِعْطَاءَ اللَّهِ ثَوَابَ الشَّاكِرِينَ». «آگاه باشید! هرکسی اخلاق زنی بداخلاق را به امید دستیابی به اجر و پاداش الهی تحمل کند، خداوند ثواب شکرگزاران را به وی عنایت فرماید».

از همین روی در هنگام بروز کشمکش و اختلاف، رعایت اصل صلح و برقراری صفا و دوستی با طبع انسان سازگارتر و نسبت به دوام و خانواده اولی تر است.

حقوق متقابلی را که اسلام برای زوجین جهت اصلاح ساختار خانواده تعیین نموده، جنبه «حق» دارد نه «حکم»؛ بنابراین طرفین می‌توانند در موارد اختلاف برحسب موقعیت به وجود آمده از بعضی حقوق خود چشم‌پوشی کنند و در مصالحه بین خود، عوض صلح را «اسقاط حق» قرار دهند و یا یکی به نفع دیگری در این مصالحه عمل نماید. (میرخانی، ۱۳۷۹، ص ۸۵)

بر این اساس زن علاوه بر حقوق مادی، یکسری حقوق معنوی دارد که بعد از استیفای آن، مراتب بالای سکینه و دوستی و مودت را بین زوجین برقرار می‌کند؛ مثلاً حق گذشت از خطای غیر عمد و سهوی همسر از ناحیه زوج خود، با گذشت مرد از عدم استیفای حقوق مادی خود در ایام عذر زن یا بارداری و یا بچه‌داری و مانند آن که این گذشت‌ها باعث استحکام بیشتر پایه‌های زندگی می‌شود و قطعاً این استحکام از ناحیه آرامش بدون استرس همسر و به تبع مودت و دوستی بیشتر، نشأت می‌گیرد، که البته اگر رحمت و ترحم و گذشت شوهر نسبت به حقوق خود و یا خطاهای غیر عمد، نثار همسر خود شد، این ترحم و گذشت، مایه دوستی عمیق‌تر، و باعث آرامش و سکینه کامل‌تر و منجر به استحکام زندگی، و در نتیجه منتهی به پویایی معنوی و رشد خانواده خواهد شد.

اصل توجه به خواست همسر

قبل از شدت بیماری، که حضرت زهرا می‌توانست از خانه بیرون برود، گاهی بر مزار شهدای «احد» (مجلسی، ۱۴۱۳، ج ۴۳، ص ۱۹۵) می‌رفت و در آنجا عقده‌های درونی دل را به صورت اشک و آه خارج می‌نمود و گاهی بر سر تربت پدر می‌رفت و با او درد دل می‌کرد. امام بعد از شدت بیماری، دیگر نمی‌توانست از جای برخیزد و با دیدن فرزندان پیغمبر، داغ تازه‌ای در دل او پیدا می‌شد. (محلاتی، ۱۳۷۵، ص ۲۱۹)

در حدیثی از علی علیه السلام روایت شده که: «من بدن مطهر پیغمبر را در همان پیراهنی که در تن داشت، غسل دادم و فاطمه سلام الله علیها گاهی از من آن پیراهن را طلب می‌کرد، و چون آن را می‌گرفت، می‌بویید و از حال می‌رفت. من که چنان دیدم پیراهن را پنهان کردم». (مجلسی، ۱۴۱۳، ج ۴۳، ص ۱۵۷)

و از کتاب دلایل طبری از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود: «فاطمه وصیت کرد که از مال خودش به زنان پیغمبر و زنان بنی‌هاشم به هر کدام دوازده وقیه بدهند و به امامه (دختر ابی العاص) خواهرزاده فاطمه سلام الله علیها (نیز همین مقدار را بدهند)». (محلّاتی، ۱۳۷۵، ص ۲۱۹) و در حدیثی که از زید بن علی علیه السلام روایت شده فرمود: «فاطمه سلام الله علیها مال خود را به بنی‌هاشم و فرزندان عبدالمطلب بخشید و علی علیه السلام این کار را کرد و به دیگران نیز داد». (همان منبع)

امام صادق علیه السلام درباره ی توجه به خواست همسر و موافقت با آن فرمود:

«لَا غَنَى بِالزَّوْجِ عَنْ ثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ زَوْجَتِهِ وَهِيَ الْمُوَافَقَةُ لِيَجْتَلِبَ بِهَا مُوَافَقَتَهَا وَ مَحَبَّتَهَا وَ هَوَاهَا وَ حُسْنَ خُلُقِهِ مَعَهَا وَ اسْتِمَالَةَ قَلْبِهَا بِالْهَيْئَةِ الْحَسَنَةِ فِي عَيْنِهَا وَ تَوْسِعَهُ عَلَيْهَا»

همچنین امام صادق علیه السلام فرمودند: «مرد در زندگی زناشویی از سه چیز ناگزیر است:

(۱) موافقت با همسر برای جلب توافق و محبت و علاقه او؛

(۲) جلب توجه او با آراستگی ظاهر و گشاده‌دستی؛

(۳) اخلاق نیکو». (بنشاسته، ۱۳۸۱، ص ۴۱)

اصل تکریم (حمایت معنوی از زوجه)

در قرآن کریم، خداوند آیات فراوانی را در مورد احترام همسران نسبت به یکدیگر اشاره کرده است که از جمله این آیات می‌توان به آیه ۱۹ سوره نساء اشاره کرد:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرِثُوا النِّسَاءَ كَرْهًا وَ لَا تَعْضَلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْتُمُوهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّكُمْ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ وَ عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ يُجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا»

«با همسران خوش رفتاری کنید، حتی اگر به جهاتی از همسران خود رضایت کامل ندارید و بر اثر اموری، اگر آن‌ها به شما خوشایند نباشند، فوراً تصمیم به بدرفتاری یا جدایی نگیرید. ممکن است که شما در تشخیص خود اشتباه کنید. پس با آن مدارا نمایید، چه بسا آن‌چه را شما نمی‌پسندید، خداوند در آن‌ها سود و برکت فراوان قرار داده باشد».

حق برخورداری از تکریم و مسئولیت رعایت آن برای زوج نمونه‌ای است که در تاریخ آمده است: رسول خدا روز بعد از عروسی امیر مؤمنان، علی علیه السلام با حضرت زهرا سلام الله علیها، نزد آن‌ها رفت و تبریک گفت. سپس به علی علیه السلام فرمود: همسرت را چگونه یافتی؟ علی علیه السلام در پاسخ فرمودند:

«نَعِمُ الْعَوْنُ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ» (مجلسی، ۱۴۱۳ هـ، ج ۴۳، ص ۱۱۷) «همسرم بهترین کمک من در راه اطاعت از خداست».

و از فاطمه سلام الله علیها نیز همین سؤال را کرد. حضرت زهرا سلام الله علیها عرض کرد: «شوهرم را بهترین شوهر یافتم». (همان منبع)

رسول خدا می‌فرماید: «مَنْ اتَّخَذَ زَوْجَهُ فليكرمها». (دزفولی، ۱۳۷۰، ص ۴۱۳)

«هر مردی که برای خود همسری اختیار کرد، باید در احترام نمودن و گرامی داشتن او بکوشد».

و همچنین می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يوصيكم بالنساء خيراً فَإِنَّهِنَّ امهاتكم و خالاتكم». (پاینده، ۱۳۶۳، شماره ۷۷۹، ص ۱۵۹) «خداوند شما را درباره ی زنان به نیکی سفارش می‌کند. زیرا زن‌ها، مادران و دختران خاله‌های شما هستند».

اصل رعایت مرزها

حضرت علی علیه السلام در حدیثی نقل کردند: «به خدا سوگند تا فاطمه زنده بود، کاری نکردم که او را به خشم درآورد و بر هیچ کاری او را مجبور ننمودم و او نیز هیچ‌گاه مرا به خشم نیاورد و در هیچ کاری نافرمانی مرا نکرد و به‌راستی هر وقت به او نظر کردم، غم و اندوه‌هایم برطرف شد». (رسولی محلاتی، ۱۳۷۵، ص ۷۰)

در جایی دیگر فرمودند: «و أَحْسِنُوا لَهُنَّ الْمَقَالَ لَعَلَّهِنَّ يَحْسِنَ الْفِعَالَ». (حر عاملی، بی‌تا، ج ۱۴، ص ۱۲۹)

«با زنان خویش خوش‌گفتار و نرم‌زبان باشید، آنان نیز کردار خویش را خوب و زیبا نمایند».

اصل حسن خلق

پیامبر گرامی اسلام فرمودند: «أَحْسِنُ النَّاسِ إِيمَانًا أَحْسَنَهُمْ خُلُقًا وَ أَلْطَفَهُمْ بِأَهْلِهِ وَ أَنَا الطَّفُكُم بِأَهْلِي». (حر عاملی، بی‌تا، ج ۱۸، ص ۵۰۷)

«بهترین مردم، خوش‌اخلاق‌ترین و مهربان‌ترین آنها نسبت به خانواده خویش است، و من مهربان‌ترین شما نسبت به خانواده‌ام هستم».

و در تکمیل فرمایش ایشان در باب ارزش حسن خلق همین کافی است که فرمودند: «خوش‌خلقی برای فراوانی نعمت‌ها کافی است.» (فیض الاسلام، ۱۳۷۹ ش، حکمت ۲۲۹، ص ۶۷۷) و تندخویی بی‌مورد نوعی دیوانگی است؛ زیرا تندخو پشیمان می‌شود و اگر پشیمان نشد پس دیوانگی او پایدار است. (فیض الاسلام، ۱۳۷۹ ش، حکمت ۲۵۵، ص ۶۸۳)

از این رو نباید ملاطفت و مهربانی زوج با دیگران باشد و خشونت و سختگیری او مخصوص با همسرش باشد. در این زمینه در روایت آمده است: «و نباید خانواده تو تیره‌روزترین مردم نسبت به تو باشند» (مجلسی، ۱۳۶۰، ج ۷۶، ص ۳۶۶)؛ رعایت معاشرت پسندیده کمترین کاری است که برای استمرار محبت و دوستی در میان همسران لازم است.

اصل تعاون

خدمت شوهر به زن و زن به شوهر، از عبادات بسیار مهم و دارای پاداش‌های بسیار است علاوه بر آن، لازم است که زن و شوهر کارهای خانه و بیرون خانه را تقسیم کنند، و گاهی در موارد لازم همدیگر را کمک کنند،

ولی کار اصلی هر کدام باید مشخص باشد.

حضرت زهرا سلام الله علیها وقتی به خانه ی شوهرش امام علی علیه السلام رفت، در مورد تقسیم کار سخن به میان آوردند، سپس به سوی حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آمدند تا آن حضرت بین آنها داوری کند و هر کدام را برای کارهای لازم موظف نماید. (شرفخانی، ۱۳۷۹، ص ۲۴)

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم چنین قضاوت کرد که کارهای داخل خانه را حضرت زهرا سلام الله علیها به عهده گیرد و کارهای بیرون خانه، به عهده ی حضرت علی علیه السلام باشد. (همان منبع)

هر دو به این قضاوت خشنود شدند، و امام ناگفته نماند که گاهی به خاطر مهمان یا امور دیگر، کارهای داخل خانه زیاد می‌شد، حضرت علی علیه السلام به حضرت زهرا سلام الله علیها کمک می‌نمودند.

اصل ابراز محبت

روابط عاطفی در خانواده ی حضرت علی علیه السلام بسیار عمیق بود؛ به گونه‌ای که فاطمه زهرا سلام الله علیها عشق و محبت خود به علی علیه السلام را به سلمان ابراز می‌دارد و همچنین متقابلاً حضرت نیز عشق خود را به فاطمه سلام الله علیها ابراز می‌نمودند تا جایی که در شهادت ایشان نیز آرام نبودند و می‌فرمودند: «صبرم کم شده و توان خویشتن‌داری برایم نمانده؛ کار همیشگی‌ام اندوه و شب‌بیداری است تا آنکه در آخرت با تو باشم.» (دشتی، ۱۳۷۹، خطبه ۲۰۲)

در طول زندگی، گفتگوی عاطفی و شوخی بین این دو همسر جریان داشت و تفریح و سرگرمی بخشی از زندگی ایشان بود. (نیلی پور، ۱۳۸۰، ص ۱۸۷-۱۸۹)

در مورد مهر محبت امام علی علیه السلام باید این امر متذکر شد که در مورد خوش‌رویی و تبسم شیرینی که مدام بر چهره امام علی علیه السلام نقش می‌بست عمر می‌گوید:

«درود بر پدرت ابوطالب؛ به‌راستی که اگر نه این که شوخ‌طبع و بسیار خوش‌رو هستی؛ زینده‌ترین کس برای خلافت و رهبری بودی!» (قزوینی، ۱۳۸۱، ص ۳۲۷)

این سخن آن چنان غرض‌آمیز و آلوده به هوس‌های انسانی عمر است که باید گفت امام علی علیه السلام در توصیه‌ای به امام حسن علیه السلام می‌فرماید: «ایاک أن تذكر الکلام ما یکون مضحکا و إن حکیت ذلک عن غیرک».

«از نقل سخنان خنده‌دار پرهیز کن؛ گرچه از دیگران نقل کنی». (دستی، ۱۳۷۹، نامه ۳۱، ص ۱۰۲۳)

حُسن معاشرت بر پایه ی اصل مودت و رحمت

زوج برای تسکین و آرامش بخشی زوجه ی خود، به رفتار معروف بر پایه ی اصل مودت و رحمت توصیه شده و از تخلف از حسن معاشرت و رفتار غیر معروف که به‌نوعی نشوز و عصیان محسوب گشته؛ نهی شده است. چنانکه در آیه قرآن اشاره داشته که نشوز فقط برای زن نیست و قبل از اینکه برخوردهای سرد و بی‌روح و تخلفات زوج کیان خانواده را به خطر افکند؛ هر یک از زوجین باید درصدد اصلاح ساختار خانواده برآیند و جلوی از هم پاشیدن و گسستن آن را بگیرند.

بر این اساس هم در آیه ۱۲۸ سوره نساء مربوط به نشوز مرد و هم نشوز زن لفظ «خوف» آمده است و می‌فرماید: «وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ» زنانی را که خوف نشوز و عصیان بر آنان می‌برید و یا می‌فرماید: «وَأِنْ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُوزًا...» اشاره به اینکه به‌محض احساس دل‌سردی و تخلف از سوی زن یا مرد نسبت به دیگری، باید درصدد علاج برآمد و قبل از تشدید به اصلاح آن پرداخت و گاه نافرمانی و عدم رعایت حقوق زن از سوی مرد موجب بروز مشکل در روابط خانواده می‌شود و گاهی اعراض و بی‌اعتنایی نسبت به رسالتی که در برقراری مودت و رحمت و مصاحبت و مجالست همسر و یا به‌عنوان پدر خانواده دارد؛ موجب اختلال در نظام خانواده می‌شود که هر دو مورد را آیه نظر دارد و درصدد اصلاح و صلح برمی‌آید. (میرخانی، ۱۳۷۹، ص ۸۴-۸۵)

قرآن به مرد دستور خوش‌رفتاری نسبت به زن را داده و می‌گوید: «او همسر و شریک زندگی توست نه یک زبردست ذلیل که هر چه و هرگونه خواستی با او رفتار نمایی...».

قرآن کریم نسبت به زن و شوهر نیز که محور خانواده هستند امر به وصل کرده است: وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ (سوره نساء / ۱۹). پس کسی که در خانه با همسر خود رفتار متعارف نداشته باشد، قطع (مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ) کرده است و همین‌طور حقوق مشترکی برای طرفین قرار داده است: (وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ ۚ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ) (سوره بقره / ۲۲۸) که رعایت‌نکردن هر یک از آنها موجب قطع (مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ) است؛ زیرا اصل تشکیل خانواده و تحکیم آن به امر خدای سبحان است. (تسنیم، جلد ۲ صفحه ۵۶۱)

همچنین حضرت علی علیه السلام به صورت کلی فرمودند: «و لا تهيجوا النساء بأذى و إن شتمن أعراضكم...»

زنان را با آزار دادن تحریک نکنید؛ هرچند آبروی شما را بریزند یا امیران شما را دشنام دهند... زیرا آنان کم‌توان‌اند. (فیض الاسلام، ۱۳۷۹، ص ۴۹۵، نامه ۱۴)

برخی از افراد وقتی می‌خواهند همسر خود را طلاق دهند، چنان بر او سخت می‌گیرند تا زن مستأصل و بیچاره شده از مهریه ی خود صرف‌نظر کند، آنگاه مرد او را طلاق دهد، این عمل از دیدگاه قرآن ممنوع و مورد نهی حضرت حق قرار گرفته است. لذا در آیه زیر آمده است:

«وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ لِتَذَهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْتُمُوهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ» (نساء/ بخشی از آیه ی ۱۹)

«نسبت به زنان سختگیری و بهانه‌جویی نکنید تا قسمتی از آنچه مهر آنها بوده، باز پس دهند...» زیرا یکی از حقوق معنوی زن، حق مواقعه (حلی، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۵۰؛ همو، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۶۰۶) و حسن معاشرت با زوجه است. ضمانت اجرایی این حق طبق ماده ۱۱۳۰ ق.م این بود که در سه صورت به زن اجازه می‌داد از دادگاه درخواست طلاق کند:

«۱- در مواردی که شوهر سایر حقوق واجبه زن را وفا نکند و اجبار او هم بر ایفاء ممکن نباشد. ۲- سوء معاشرت شوهر به حدی که ادامه زندگانی زن را با او غیرقابل تحمل سازد. ۳- حقوقدانان معتقدند که عبارت «سایر حقوق واجبه زن» کنایه از نزدیکی جنسی و زناشویی بوده است که شوهر باید آن‌گونه که طبیعت و وضعیت مزاجی او و زن اقتضا می‌کند؛ وظایفش را انجام دهد.»

طبق اصلاحی که در تاریخ ۸۱/۴/۲۹ در این ماده صورت گرفت، این سه بند حذف شد. درحالی‌که این می‌تواند یکی از مصادیق حقوق معنوی زن به نام عسر و حرج باشد و بر طبق ماده ۱۳۰ ق.م موجب حق طلاق برای زوجه گردد. (دیانی، ۱۳۸۷، ص ۲۴۸)

اصل ریاست زوج (مدیریت) و رعایت مصلحت جمعی

از آن جهت که خانواده حریم امن انسان‌ها و محل ارتباط خاص نسبی و عاطفی و اخلاقی و تربیتی افراد با یکدیگر و جایگاه رشد فضایل و کمالات انسانی است، ریاست‌پذیری آن از اهمیت و ظرافت خاص خود برخوردار است و بنیان‌گذار و رئیس آن نقش عمده و کلیدی بر عهده دارد.

ممکن است این تصور شود که اگر امور خانواده، در مدیریت و ریاست؛ به‌طور مشترک اداره شود عادلانه و مطلوب‌تر است. لیکن تجربه در عمل توفیق نداشته؛ زیرا زندگی در یک نظام اجتماعی محدودیت‌های خاصی

۱. یکی از وظایف مشترک زوجین که در دستورات اسلامی بدان تأکید فراوان شده است، حسن معاشرت است. خداوند متعال امر به معاشرت به معروف نموده است: «و عاشروهن بالمعروف» (نساء/۱۹)؛ در ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی ایران نیز مقرر گردیده است: «زن و شوهر مکلف به حسن معاشرت با یکدیگرند.»

برای افراد ایجاد می‌کند که انسان‌ها لازم است از آزادی مطلق خویش چشم‌پوشی کنند و در رجحان مصالح اجتماعی از خودمحموری و خودنگری‌های غیرمعقول درگذرند. (میرخانی، ۱۳۷۹، ص ۱۴۵)

چراکه رویکرد متعالی بر مسأله جلوگیری از هرج و مرج عنایتی خاص دارد؛ چنانچه علی علیه السلام می‌فرماید: «مردم ناگزیرند از داشتن امیری؛ خواه نیک یا بد.» (فیض الاسلام، ۱۳۷۱، خطبه ۴۰)

از نظر اسلام همیشه رعایت منافع و مصالح عامه و تحقق عدالت در یک مجموعه نسبت به منافع و مصالح شخصی از اولیویتی بسزا برخوردار است و خودمحموری‌های غیرمنطقی را در حیطه ریاست شدیداً نفی می‌نماید. لیکن امروز ریاست مرد به انجام یک وظیفه اجتماعی و پذیرش مسئولیتی سنگین شبیه‌تر است تا به اجرای خواسته‌های شخصی و حقی فردی و این همان چیزی است که در اسلام از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. (میرخانی، رویکردی نوین در روابط خانواده، ص ۱۴۵-۱۴۶)

منشأ بسیاری از مصائب و مشکلات بشر، بخل‌ورزی و منفعت‌طلبی‌های فردی است، بر این اساس اسلام در مسائل اجتماعی اعم از خانواده و یا جامعه، اولویت را به مصالح عامه می‌دهد و در تزامن بین منفعت شخص، با مصالح خانواده و یا اجتماع، بر رعایت مصلحت جمعی تأکید فراوان دارد نه اینکه فقط رعایت منافع مرد به تنهایی شود و یا برعکس. (میرخانی، ۱۳۷۹، ص ۸۵)

اصل احسان و گرایش به تقوا

رعایت احسان و گرایش به تقوا برای حفظ ارکان خانواده و استحکام آن و پرهیز از بی‌عدالتی و خودمحموری از عمده‌ترین اصولی است که در زندگی زناشویی بایستی مورد توجه طرفین قرار گیرد. اگرچه مفسرین مخاطب آیه را مردان قلمداد کرده‌اند. (میرخانی، ۱۳۷۹، ص ۸۶)

مرحوم علامه طباطبایی می‌فرماید: «و إن تُحْسِنُوا وَ تَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا»؛ «این موعظه‌ای است برای مردان که از راه احسان و تقوا پا فراتر نگذارند و در معاشرت ظلم نکنند و متذکر می‌شود که خداوند از هر کاری که می‌کنند، با خبر است و اگرچه زنان می‌توانند (در صلح) از حق خود بگذرند ولی مردها نباید ایشان را مجبور کنند که آنان حقوق خود را لغو نمایند.» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۱۵۹-۱۶۰)

بر این اساس نام‌گذاری چنین پیمانی به میثاق غلیظ (سوره نساء/۲۱) از آن جهت است که شوهر در حال عقد، پیمان می‌سپرد که همسرش را در صورت توافق اخلاقی، به گونه‌ای شایسته نگه دارد و در فرض عدم توافق، به نیکویی رها کند: «إِمْسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسَانٍ» (سوره بقره/۲۲۹)؛ یا باید زن را به خوبی نگه داشت؛ یا به شایستگی آزاد کرد.

احترام به همسر

زوجین می‌توانند با رفتار صحیح و عاقلانه خود، اساس زندگی سعادت‌مندان‌ه‌ای را پایه‌گذاری کنند و از اعمالی که به سعادت آنان لطمه می‌زند، اجتناب نمایند. گاهی کارهای کوچک و کم‌اهمیت سبب افزایش مهر و محبت می‌شود و به همان نسبت گاهی کارهای ناچیز موجب تفرقه و جدایی می‌گردد. (دزفولی، ۱۳۷۰، ص ۴۱۲)

تعبیر زیبای علی علیه السلام از زن -گل‌بهاری و ریحانه- نشان توجه و مهر و محبت ایشان به خانواده است. فاتح خیبر و شیرمرد دلیر اسلام با دست‌هایی پینه‌بسته از رنج و زخمه‌ی کار روزمره؛ در خانه همسری فداکار و مهربان و پدری با شفقت و رئوف است. که اگر غریبه‌ای او را در خانه ببیند اصلاً و ابداً به ذهنش هم خطور نخواهد کرد که او جانشین نبی و حاکم حکومت اسلامی است. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «مَا أَضْمَرَ أَحَدٌ شَيْئاً إِلَّا ظَهَرَ فِي فَلَتَاتِ لِسَانِهِ وَ صَفَحَاتِ وَجْهِهِ». (دستی، ۱۳۷۹، نامه ۳۱، ص ۱۱۹۴). «هیچ کس امری را پنهان نکرد؛ مگر این که آن امر در لغزش سخن و بر صفحه رخسارش آشکار گشت». (دستی، ۱۳۷۹، نامه ۳۱، ص ۱۱۹۴)

همچنین در جریان کسالتی که برای بانوی مکرم اسلام حضرت زهرا سلام الله علیها پیش آمده بود، امام سر همسر خویش را در دامن گرفتند، از او پرسیدند: کاری هست که برای بانویم انجام دهم. آن حضرت شرم داشتند که ابراز کنند ولی به اصرار مولا بیان کردند: اگر اناری داشتیم بسیار میل داشتیم که تناول کنم. علی علیه السلام درنگ نکردند، با آن که فصل انار نبود؛ از خانه خارج شدند و سراسر شهر را به دنبال انار زیر پا گذاشتند. به آن حضرت گفتند شمعون باری انار از شام آورده و می‌فروشد. امام به درب منزل شمعون رفتند و پاسخ شنیدند، مولا نمی‌دانستیم شما هم انار می‌خواهید و گرنه برای شما نگه می‌داشتیم؛ شرمنده. امام که از نهمان آگاه بودند اصرار ورزیدند که ناگاه صدا برآمد؛ شمعون یک انار اضافی در خانه داریم امام گرفتند و برگشتند. در راه فقیری را دیدند که تقاضای قوت داشت. امام انار را بخشیدند. با عرق پیشانی وارد منزل شدند و این‌گونه حق احترام به همسر خویش را روا نمودند.

اصل عمل به وصیت زوجه توسط زوج

یکی از حقوقی که بر مردان واجب است، مراعات نمودن آنچه زوجه بر آنان وصیت می‌نمایند؛ چنانکه حضرت علی علیه السلام به وصیت‌هایی که حضرت فاطمه سلام الله علیها در روزهای آخر عمر شریف خود می‌کرد، عمل می‌نمود. (محلّاتی، ۱۳۷۵، ص ۲۲۵)

قسمتی از وصیت‌نامه‌های آن بانوی بزرگوار اسلام به حضرت علی علیه السلام این است: «خدایت تو را پاداش دهد، ای پسرعموی رسول خدا: نخستین وصیت من آن است که پس از من «امامه»، دخترخواهرم را به ازدواج خویش درآوری، چون او نسبت به فرزندان من، همانند خودم مهربان است و مردان نیز ناچارند، همسری از زنان داشته باشند»؛ (همان منبع) «وصیت دیگر من آن است که، احدی از این مردم، که به من ستم کرده‌اند

و حق مرا گرفتند، در تشییع جنازه ی من و دیگر مراسم آن حاضر نشوند. زیرا اینان دشمن من و دشمن رسول خدا هستند و مبادا بگذاری یکی از آنها و یا پیروان آنها بر جنازه‌ام نماز بگذارند. مرا شب‌هنگام در آن وقتی که دیده‌ها همگی خواب‌رفته‌اند، دفن کن و حضرت علی نیز چنین کردند». (علامه مجلسی، ج ۴۳، ص ۱۹۱)

در نقلی که از مجالس مفید و امالی شیخ^[۲] آمده، در حدیثی از امام حسین روایت شده که چون فاطمه، دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بیمار شد، به علی علیه السلام وصیت کرد که وضع حال او را پنهان دارد و حتی از بیماری او کسی را با خبر نکند و علی علیه السلام این کار را کرد و خود ایشان شخصاً پرستاری فاطمه سلام الله علیها را به عهده گرفتند. (محلّاتی، ۱۳۷۵، ص ۲۲۷)

و چون هنگام وفات او شد، به علی علیه السلام وصیت کرد که کارهای پس از مرگ او را خود انجام دهد و شبانه او را دفن کند و جای قبر او را نیز پنهان کند، که اثری از قبر او معلوم نباشد. (همان منبع)

اصل ساده زیستی

حیات ظاهری به منزله حکمت است که قلب حکیم را زنده می‌دارد؛ علی علیه السلام جان آگاه را زنده می‌داند و حیات ظاهری را به حیات معنوی تنظیم می‌کند و برای آنکه ثابت کند عده‌ای مرده‌اند می‌فرماید: اینان به موت جسدشان خیلی اعتنا دارند اما به مرگ قلب خود بی‌توجه هستند درحالی‌که مرگ دل مهم‌تر از مرگ بدن است، دلی که بمیرد از سعادت ابد محروم است ولی اگر جسم بمیرد و حیات ظاهری را رها کند، چنانکه باید رها کند، هرگز ناکامی در بین نیست زیرا از عالمی به عالم دیگر منتقل می‌شود.

بعضی از افراد قلبشان مرده است و توجهی به مرگ قلب خود ندارند! آنچه انسان را می‌میراند و حیات دل را از وی می‌گیرد دل‌بستگی به دنیا است که آدمی خود را چون بردگان بفروشد. (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص ۱۱۴)

امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید: مردم در دنیا دو دسته‌اند: بخشی خود را به دنیا فروخته و برده آن شده‌اند و دسته‌ای دنیا را خریده و از آن آزاد گشته‌اند، دنیا در اختیار آنهاست نه آنها در اختیار دنیا (دشتی، ۱۳۷۹، خطبه ۱۳۳، بند ۷)

اصل امر به معروف

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: ... حال که با برشمردن زشتی‌های دنیا روح را از بند هر شهوت و قید هر کینه‌رهایی دادی و انسان آزاده و آزاداندیش شدی این نظارت الهی و ملّی را به نام امر به معروف و نهی از منکر نیز احیا کن، دست دیگری را هم بگیر تنها به فکر خود مباش و به تنهایی راه را ادامه نده بلکه همراهی هم پیدا کن. (دشتی، ۱۳۷۹، نامه ۳۱، بند ۱۵)

اهل چیزی باش که خدا آن را به رسمیت می‌شناسد و آن «معروف» است؛ دیگران را نیز بر آن دار تا اهل معروف باشند و آن را اجرا کنند. تبه‌کاری‌ها و زشتی‌ها که خدا، انبیا، جان سالم و عقل بیدار آن‌ها را نمی‌پسندد و آن‌ها را نمی‌شناسد «منکر» و ناشناس است تو هم آن را نشناس و اهل آن نباش. چون دین، آن را بیگانه دانسته است، با دست و زبان جلوی زشتی‌ها را بگیر؛ بکوش تا زشتی را از خانواده و جامعه ریشه‌کن کنی. (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص ۱۳۲) بر این اساس امر به معروف و نهی از منکر نسبت به همسر باید همراه با آموزش و ارزش‌های اسلامی و دادن آگاهی باشد؛ نه صرف امر و نهی کردن باشد؛ لذا امیرالمؤمنین فرمودند: عَلِّمُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ الْخَيْرَ وَأَدْبُوهُمْ؛ نیکی‌ها و ارزش‌ها را به خود و خانواده خویش یاد دهید و آن‌ها را بر محور آن ارزش‌ها مؤدب کنید. (مکارم شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۲۴، ص ۲۹۴، ذیل آیه)

از آثار و برکات چنین خانواده‌ای، خدای خویش را به صفات و کمالات عالی می‌شناسند و دستوراتش را بر اساس حکمت و یا علت و فلسفه می‌دانند؛ حتی اگر حکمت آن را ندانند؛ اما اگر زوج بی‌اهمیت به امر به معروف و یا نهی از منکر باشد و گاه به دست خویش زمینه‌های آلودگی به فحشا و انحراف را فراهم کند، مانند تهیه ی فیلم‌های مستهجن، آنتن ماهواره، امکان سوءاستفاده از اینترنت، شرکت در مجالس لهو و لعب و هم‌نشینی با اهل هوس که به فرموده ی ایشان؛ فراموش‌خانه ی ایمان و محل حضور شیطان است. (جعفری، ۱۳۷۶، خطبه ۸۶)؛ همسر خودنما و بدحجاب از مصادیق واضح این‌گونه خانواده‌هاست و گرنه ارزش‌های والای خود و همسر خود را به دست فراموشی نمی‌سپردند و شخصیت همسرشان را به اندازه یک کالای مادی و یا عروسک تنزل نمی‌دادند.

نتیجه

با تتبع در متون قرآن کریم، نهج‌البلاغه و دیگر آثار مرتبط به آن؛ محققاً وجدان سلیم بشری را وادار به این اعتراف می‌نماید که در این کتاب حیات‌بخش و هدایت‌آفرین بیش از هر مکتب و نظام حقوقی توصیه و سفارش نسبت به رعایت حقوق معنوی زنان و مصونیت ایشان از مظالم و حفظ شخصیت و منزلت ایشان گردیده است؛ زیرا در نظام حقوقی اسلام حقوق و مسئولیت‌ها، نشان‌دهنده برتری جنسی بر جنس دیگر نمی‌باشد و معمولاً مولود عناوین حقوقی خاصی است که هریک از زن و مرد به تناسب نقش‌های ویژه و بدل‌ناپذیر در خانواده پیدا می‌کند. این تفاوت از آن جهت است که امکان وجود سلامت مادی و معنوی خانواده به‌عنوان اصلی‌ترین نهاد جامعه که جایگاه حقیقی پیدایش و پرورش انسان است، تأمین گردد.

همچنین به این نکته رهنمون گشتیم که اگرچه حاکمیت و سرپرستی در قرآن و نهج‌البلاغه برای زوج قرار داده شده؛ اما این حاکمیت مطلق نیست؛ شرایطی خاص را در کنار آن قرار داده و مواقفی را از قبیل اصل معاشرت به معروف، اصل عفو و صلح و اصل مودت و رحمت و موارد ذکر شده در این مقال را در آن لحاظ گردانیده است.

فهرست منابع

* قرآن کریم

- * نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی (۱۳۷۹)، چ هفتم، قم: نشر مشرقین؛ دفتر انتشارات اسلامی.
- * نهج البلاغه، ترجمه فیض الاسلام (۱۳۷۱)، انتشارات فیض الاسلام.
- * نهج الفصاحه: مترجم ابوالقاسم پاینده (۱۳۶۳)، چ هجدهم، انتشارات جاویدان.
- ابن ابی الحدید، (۱۹۶۳) شرح نهج البلاغه، دارالاحیاء الکتب العربیه، بیروت.
- اله مرادی، ام البنین، سیف اله احمدی (۱۳۹۴)، دو فصل نامه علمی ترویجی فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)، مقاله اختیار قاضی برای طلاق در صورت نشوز زوج و مشروط به نبودن آن به عسر و حرج زوجه، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام پردیس خواهران
- بنشاسته، محسن (۱۳۸۱)، اسباب و عوامل رونق زندگی، چ اول، نشر شاکر.
- تعمیمی آمدی، عبدالواحد (۱۳۶۰)، غررالحکم و دررالکلم، تصحیح میر جلال الدین حسینی ارموی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۷۶)، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، چ دوم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸)، زن در آیینه ی جلال و جمال، محمود لطیفی، چ نوزدهم، قم: نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۳)، خانواده متعادل و حقوق آن، تدوین ابراهیم جوانمرد فرخانی، قم: مرکز نشر اسراء
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸)، تسنیم، محقق: علی اسلامی، قم: مرکز نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹)، حکمت عملی و نظری در نهج البلاغه، حسین شفیعی، قم: نشر اسراء.
- حر عاملی، محمدبن حسن (بی تا)، وسائل الشیعه، احیاء التراث العربی، بیروت.
- دزفولی، سید کاظم صدر السادات (۱۳۷۰)، صلح رحم و اخلاق در خانواده چاپ دوم، انتشارات کتابخانه صدر تهران.
- دیانی، عبدالرسول (۱۳۸۷)، حقوق خانواده، چ اول، تهران: نشر میزان.
- رسولی محلاتی، سید هاشم (۱۳۷۵)، زندگانی حضرت فاطمه سلام الله علیها، چ سوم، دفتر نشر فرهنگ اسلام.
- رسولی محلاتی، سید هاشم (۱۳۷۴)، تاریخ اسلام، چ پنجم، دفتر نشر فرهنگ اسلام.

- شرفخانی، احمد (۱۳۷۹)، رفتارشناسی امام علی علیه السلام، چ اول، تهران: انتشارات پارسایان.
- طاهری، حبیب‌الله (۱۴۱۸ ه)، حقوق مدنی، چ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طباطبائی، سید محمدحسین (۱۳۷۴ ش)، تفسیر المیزان، ترجمه سید باقر موسوی همدانی، قم: نشر جامعه مدرسین.
- قزوینی، محمدکاظم (۱۳۸۱)، از ولادت تا شهادت امام علی علیه السلام، قم: انتشارات دلیل ما.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۰)، بحارالانوار، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- کلینی، ابوجعفر محمدبن یعقوب (۱۴۰۷)، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۱۳ ه)، بحارالانوار، بیروت، دارالضواء.
- معین، محمد (۱۳۷۶)، فرهنگ فارسی، چ ۱۱، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۶۶ ش)، تفسیر نمونه، چ نهم، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
- میرخانی، عزت السادات (۱۳۷۹)، رویکردی نوین در روابط خانواده، چ اول، تهران: سفیر صبح.
- نجفی، محمدحسن (۱۴۱۲ ه)، جواهر الکلام، بیروت، مؤسسه المرتضی العالمیه.
- نیلی پور، مهدی (۱۳۸۰)، فرهنگ فاطمیه، اصفهان، مرکز فرهنگی شهید مدرس.
- هدایت نیا گنجی، فرج‌الله (۱۳۸۵)، حقوق مالی زوجه، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.